

سبک‌های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی

Attachment Styles and Marital Satisfaction

Ali Reza Raja-ei, PhD

Islamic Azad University
Torbat-Jaam Branch

Mahdi Nay-yeri

Islamic Azad University
Torbat-Jaam Branch

مهدی نیری

دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تربت جام

دکتر علیرضا رجایی

دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تربت جام

Shirin Sedaghati

M. A. in Psychology

شیرین صداقتی

کارشناس ارشد روانشناسی

Abstract

This study examined the relationship between the attachment styles and marital satisfaction. 159 (81 females & 78 males) randomly selected high-school and junior high-school teachers, all married and resided in the city of Taybad, Iran, completed the Relationship Adult Attachment Scale (Collins & Read, 1990), the Attachment to Mother Questionnaire (Raja-ei et al., 2006), and the Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communication and Happiness questionnaire (Olson et al., 1987; Revised by Soleimani, 1994). Data showed significant a positive correlation between marital satisfaction and secure attachment style ($r = 0.53$), but negative correlations with avoidant ($r = -0.28$) and ambivalent ($r = -0.38$) attachment styles. Adult attachment styles explained 52% and attachment to mother styles accounted for 29% of the variance in marital satisfaction. Males and females were not significantly different in terms of level of marital satisfaction.

Key words: attachment styles (secure, avoidant, and ambivalent), marital satisfaction.

Correspondence concerning this article should be addressed to Ali Reza Raja-ei, Department of psychology, Islamic Azad University, Torbat-Jaam Branch, email :Rajaei@jautj.ac.ir

چکیده

در این پژوهش رابطه بین سبک‌های دلبستگی با رضایتمندی زناشویی بررسی شد. بدین منظور ۱۵۹ (۸۱ زن و ۷۸ مرد) دبیر متأهل مقاطع راهنمایی و متوسطه شهر تایباد انتخاب شدند. آزمودنی‌ها، مقیاس دلبستگی بزرگسالان (کولینز و رید، ۱۹۹۰)، پرسشنامه دلبستگی به مادر (رجایی و دیگران، ۱۳۸۵) و پرسشنامه رضایتمندی زناشویی (السون و دیگران، ۱۹۸۷؛ بازنگری سلیمانیان، ۱۹۹۴) را تکمیل کردند. یافته‌ها بین رضایتمندی زناشویی و سبک دلبستگی ایمن یک همبستگی مثبت معنادار ($r = 0.53$)، نشان دادند اما با سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دو سوگرا همبستگی منفی (به ترتیب $r = -0.28$ و $r = -0.38$) وجود داشت. همچنین سبک‌های دلبستگی بزرگسالان ۵۲٪ و سبک‌های دلبستگی به مادر ۲۹٪ واریانس رضایتمندی زناشویی را تبیین کردند. زنان و مردان از نظر رضایتمندی زناشویی تفاوت معنادار نداشتند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دو سوگرا)، رضایتمندی زناشویی.

مقدمه

رتبه‌ای با سه روش خود گزارش‌دهی، مصاحبه نیمه ساخت یافته و گزارش همسران بررسی شد و ثبات متوسطی را نشان داد، اشاره کرد. بکویت^۱، کوهن^{۱۱} و هامیلتون^{۱۲}، ۱۹۹۹، وینفیلد^{۱۳}، اسروف^{۱۴} و اگلاند^{۱۵}، ۲۰۰۰ (نقل از استنبرگ، ۲۰۰۲) بیان داشتند که الگوهای دلبستگی افراد، در صورتی که واقعه مهمی مانند طلاق یا از دست دادن والدین رخ ندهد، ثابت باقی می‌مانند.

از مشهورترین پژوهشها در این زمینه پژوهشهای هازن^{۱۶} و شیور^{۱۷} در ۱۹۸۷ و اینزورث^{۱۸} در ۱۹۹۱ (نقل از پینز، ۲۰۰۵) هستند که با الهام از نظریه بالبی، در مورد ماهیت پیوندهای عاطفی، نقش دلبستگیهای متقابل^{۱۹} بزرگسالان را در روابط زوجها بررسی کردند. نتایج نشان دادند که مشخصه‌های پیوند عاطفی بین زوجها با مشخصه‌های پیوندهای عاطفی کودک - مادر قابل مقایسه است و سبکهای شناخته شده دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا، افکار، احساسها و رفتار آنان را در روابط زناشویی تحت تأثیر قرار می‌دهند.

از جمله تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌توان به پژوهشهای بشارت (۱۳۸۰)؛ بشارت، شریفی و ایروانی (۱۳۸۰)؛ بشارت، گلی نژاد و احمدی (۱۳۸۱)؛ اصغری نژاد و دانش (۱۳۸۴) اشاره کرد که همگی بیانگر این مطلب هستند که آزمودنیها با سبک دلبستگی ایمن از مشکلات زناشویی کمتر، مشکلات بین شخصی کمتر و سطح شادکامی بیشتری نسبت به آزمودنیهای واجد سبک دلبستگی اجتنابی و دو سوگرا، برخوردارند. نتایج پژوهشهای انجام شده در زمینه ارتباط سبک دلبستگی بزرگسالان با میزان مهار احساسها و عواطف (از جمله فینی، ۱۹۹۹؛ داویلا، برادبوری و فینچام، ۱۹۹۸)، این نکته را برجسته کردند که افراد دلبسته ناایمن (آرامش کم، عدم ارتباط نزدیک و افزایش اضطراب در ارتباطها) در مقایسه با افراد ایمن در روابط خود با دیگران، بیشتر میل‌اند

دلبستگی^۱ پیوند عاطفی هیجانی نسبتاً پایداری است که بین کودک و مادر یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم و دائم با آنهاست، ایجاد می‌شود (پاپالیا، ۲۰۰۲). فروید^۲ بر این باور بود که دلبستگی نوزاد به مادر به خاطر تغذیه و رفع نیاز فیزیولوژیکی است (نقل از سانتراک، ۲۰۰۲). هارلو^۳ و زیمرمن^۴ (۱۹۵۹ نقل از لسترام، ۲۰۰۲/۱۳۸۴) فرضیه فروید را نقض کردند و بیان داشتند در ایجاد و تقویت دلبستگی کودک به مادر، تماس بدنی در مقایسه با تغذیه، عامل مهمتری است. سپس بالبی^۵ (۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰ نقل از کرین^۶، ۱۳۸۴ / ۲۰۰۰) مفهوم دلبستگی را از دیدگاه تحولی مورد ارزیابی قرار داد و نظریه‌اش را بر این اساس بنا کرد که احساسها و رفتارهای دلبستگی، از قبیل گریه، خنده، مکیدن و چنگ‌زدن، نوزاد را به مادر نزدیک و از خطر دور می‌سازند، و جدایی از مادر، اضطراب و درماندگی کودک را برمی‌انگیزد. تجربه‌های واقعی فرد در مورد حساسیت، پاسخ‌گوبودن، حضور فعال مراقب همچنین خلق و خوی کودک و هماهنگی روابط والد - کودک، اساس شکل‌دهی به سبکهای مختلف دلبستگی (ایمن^۷، اجتنابی^۸ و دو-سوگرا^۹)، در خلال سالهای نوزادی و کودکی است (کاپلان، ۲۰۰۰/۱۳۸۳). تجربه‌هایی که نوزاد با مراقبش دارد در الگوهای روابط وی با دیگران درونی سازی می‌شوند و این الگوی عملی درونی شده، تعیین‌کننده چگونگی مفهوم نوزاد از خود و دیگران است؛ مفهومی که بعدها در روابط با دیگران تعمیم می‌یابد (پینز، ۲۰۰۵).

تداوم الگوهای دلبستگی و تأثیر آن بر روابط بین فردی افراد در آینده و بزرگسالی، به پژوهشهای متعددی منجر شد که از آن میان می‌توان به پژوهش شارف و بارتولومئو (۱۹۹۴) درباره ثبات و اعتبار الگوی درونی دلبستگی بزرگسال که به وسیله مقیاس پیوسته و

1. attachment
2. Freud, S.
3. Harlow, H.
4. Zimmerman, R. R.
5. Bowlby, J.
6. Crain, W. C.
7. secure

8. avoidant
9. ambivalent
10. Beckwith, M.
11. Cohen, J. F.
12. Hamilton, E. M. N.
13. Weinfeld, N. S.
14. Sroufe, L. A.

15. Egelund, B.
16. Hazan, C.
17. Shaver, J. P.
18. Ainsworth, M. D. S.
19. reciprocal

بیشتری را گزارش دادند. مولر، وانگ و ویکبرگ (۲۰۰۶)، رابطه سبک دلبستگی و روابط زوجها را پس از والدشدن، بررسی کردند. نمونه شامل ۱۲۸ مادر و ۱۲۳ پدر بود که از یک مرکز مراقبت از سلامت فرزندان در جنوب سوئد، انتخاب شده بودند. نتایج تحقیق نشان داد، مادران و پدرانی که دلبستگی اضطرابی بیشتری گزارش داده بودند از روابط زناشویی نیز رضایت کمتری داشتند. بنابراین، سبک دلبستگی اضطرابی می‌تواند، عدم رضایتمندی زناشویی پدران و مادران بعد از والدشدن را به طور معناداری پیش‌بینی کند. کافیتوس و سایدرایدز (۲۰۰۶) نیز رابطه بین دلبستگی، حمایت و رفاه اجتماعی را در جوانی و بزرگسالی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بین دلبستگی اضطرابی و رفاه اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد و این ارتباط معکوس در گروه جوانان نسبت به بزرگسالان قویتر است. رابطه دلبستگی اجتنابی با رضایتمندی و حمایت اجتماعی در گروه بزرگسالان نیز منفی بود. از تحقیقات اخیر در این زمینه می‌توان به پژوهش طولی سامسون، کولینز، ترن و هایدن (۲۰۰۷) اشاره کرد که به بررسی رابطه تظاهرات هیجانی و ارتباطهای عاطفی بزرگسالی با تجربه‌های دلبستگی در مراحل اولیه تحول اجتماعی، پرداختند. این پژوهش در نمونه‌ای متشکل از ۷۸ شرکت‌کننده در چهار دوره از زندگیشان (نوزادی، اواسط کودکی، نوجوانی و اوایل بزرگسالی) انجام گرفت و ۲۵ سال طول کشید. نتایج این تحقیق نشان داد، شرکت‌کننده‌هایی که در دوران نوزادی دلبسته‌ایمن، شناخته شدند در اواسط کودکی از لیاقت و کفایت اجتماعی بیشتری در بین همسالان برخوردار بودند. همچنین در نوجوانی و اوایل بزرگسالی در روابط نزدیک خود با دوستان و شریکان زندگی تظاهرات هیجانی و عاطفی مناسبتری نشان دادند.

شایان ذکر است، اکثر محققان داخل و خارج از کشور که در زمینه دلبستگی فعالیت داشته‌اند، از طریق ارزیابی مهارت‌های ایجاد ارتباط با دیگران به تعیین سبک دلبستگی آزمودنیها پرداخته‌اند. در حالی که تأکید بالبی، بنیانگذار نظریه، بیشتر بر اهمیت روابط مادر - کودک در

عواطف و احساسهای مثبت خود را مهار کنند هستند. همچنین کاب، داویلا و برادبری (۲۰۰۱)، نشان دادند که درک مثبت از همسران که از ویژگیهای افراد با سبک دلبستگی ایمن است رفتارهای حمایتی و رضایتمندی زناشویی را در زوجها پیش‌بینی می‌کند.

در پژوهش جالبی که توسط مکیولانسر و فلورین (۲۰۰۳) انجام گرفت، نقش بیماری، سبک دلبستگی و رضایت زناشویی در مادران نوزادان مبتلا به بیماری CHD^۱ (بیماری قلبی مادرزادی) بررسی شد. بدین صورت که سبک دلبستگی مادران ۸۵ نوزاد متولد شده با بیماری CHD، دو هفته بعد از تشخیص بیماری در نوزادانشان، تعیین شد. سپس یک سال بعد، رضایت زناشویی و روشهای مقابله با مشکل مادران بررسی شد. نتایج نشان دادند، میزان رضایتمندی زناشویی مادران واجد سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی، به گونه‌ای چشمگیر، پایین است. هر چند بیماری و اضطراب ناشی از آن به طور مستقیم بر کاهش رضایتمندی زناشویی تأثیر داشت، اما پیامد منفی دلبستگی اجتنابی و اضطرابی در دوره‌های درمان و آموزش روشهای مقابله با مشکل، متمرکز شده بود. یافته‌های کاجادورین، فینچام و داویلا (۲۰۰۴)، نیز دال بر ارتباط تمایل به گذشت در روابط، با دلبستگی ایمن و رضایتمندی بین متأهلین بودند. بانس (۲۰۰۴)، الیویرا و کاستا (۲۰۰۰) بدین نتیجه دست یافتند که دلبستگی ایمن با افزایش رضایتمندی زناشویی و دلبستگی نایمن با کاهش رضایتمندی زناشویی ارتباط دارد.

سنتا و گیبل (۲۰۰۵) با مقایسه فراوانی شدت هیجانهای افراد واجد سبکهای مختلف دلبستگی در موقعیتهای تحریک‌پذیر، نتیجه گرفتند که آزمودنیهای با سبک دلبستگی اجتنابی، بعد از بروز خطا از طرف همسرانشان، عکس‌العمل منفی بیشتری در مقایسه با گروههای دیگر، نشان می‌دهند. نجم (۲۰۰۵) نیز با هدف بررسی رابطه سبک دلبستگی، هوش هیجانی و رضایت زناشویی، تحقیقی بین مردان و زنان پاکستانی انجام داد و نتیجه گرفت که افراد با هوش هیجانی بالا، به طور معنادار، رضایت زناشویی

مقیاس مشخص می‌شود. اعتبار^۶ آزمون در پژوهش کولینز و رید (۱۹۹۰) بیش از ۰/۸۰ گزارش شده است. در این تحقیق نیز اعتبار پرسشنامه از روش بازآزمایی در یک گروه ۲۰ نفری با فاصله ۱۰ روز ارزیابی شد و ضریب همبستگی ۰/۷۶ به دست آمد.

پرسشنامه دلبستگی به مادر (AMQ) ۲۱ ماده دارد و به منظور ارزیابی روابط نزدیک فرد با مادرش ساخته شده است. نمره^۷ این پرسشنامه از طریق علامت‌گذاری روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از صفر تا چهار، مشخص می‌شود و دارای ۳ زیر مقیاس (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا نسبت به مادر) است که از طریق ۷ ماده برای هر زیر مقیاس تعیین می‌شود. اعتبار این پرسشنامه از طریق بازآزمایی در یک گروه ۲۰ نفری با فاصله ۱۰ روز ۰/۸۶ گزارش شده است (رجایی و دیگران، ۱۳۸۵).

پرسشنامه رضایتمندی زناشویی انریچ (اولسون، فورنیر و دراکمن، ۱۹۸۷) ۱۱۵ سؤال و ۱۲ زیر مقیاس: پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، موضوعهای شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، فعالیتهای مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، بستگان و دوستان، نقشهای مساوات طلبی و جهت‌گیری عقیدتی دارد. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر مبنای مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (۱-۵) صورت می‌گیرد. سلیمانیان (۱۳۷۳) فرم ۴۷ سؤالی از این پرسشنامه تهیه کرد. اعتبار این پرسشنامه از طریق ضریب آلفا در یک گروه ۱۱ نفری، ۰/۹۵ محاسبه شد. رسولی (۱۳۸۱) نیز ضریب اعتبار پرسشنامه را با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۹۲ به دست آورد. در این پژوهش نیز از فرم ۴۷ سؤالی این پرسشنامه استفاده شده است.

• **طرح پژوهش حاضر**، از نوع همبستگی است؛ و برای تجزیه و تحلیل داده‌های آن، علاوه بر شاخصها و روشهای آمار توصیفی، از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیری (روش کدگذاری تأثیر^۷ برای متغیرهای مستقل طبقه‌ای) آزمون توکی و t گروههای مستقل استفاده شده است.

سالهای نخستین زندگی بوده است. بدین منظور در این تحقیق پرسشنامه‌ای طراحی شد تا روابط مادر - کودک را به منظور تعیین سبک دلبستگی افراد مشخص کند و به واری فریضیه‌ها و پرسش زیر پردازد:

۱. سبک دلبستگی ایمن با رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت دارد.
۲. سبکهای دلبستگی اجتنابی و دو سوگرا با رضایتمندی زناشویی رابطه منفی دارند.
۳. سبکهای دلبستگی، میزان رضایتمندی زناشویی دبیران را پیش‌بینی می‌کنند.
۴. آیا میزان رضایتمندی زناشویی دبیران زن و مرد متفاوت است؟

روش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دبیران زن و مرد متأهل مدارس راهنمایی و متوسطه شهر تایباد با حجم ۲۷۵ نفر (۱۳۵ مرد و ۱۴۰ زن) بود. ابتدا با توجه به مشخص بودن جامعه آماری از طریق فرمول مورگان^۱ و کرجسی^۲ (نقل از خوی‌نژاد، ۱۳۸۰) حجم نمونه ۱۵۹ نفر برآورد شد. سپس سهم دبیران زن و مرد که باید نمونه مورد مطالعه را تشکیل می‌دادند (۷۸ مرد و ۸۱ زن) مشخص و از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده نمونه مورد نظر انتخاب شد.

مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (RAAS)^۳ (۱۹۹۰)، پرسشنامه دلبستگی به مادر^۴ (AMQ) (رجایی، نیری و صداقتی، ۱۳۸۵) و پرسشنامه رضایتمندی زناشویی انریچ^۵ (السون، فورنیر و دراکمن، ۱۹۸۷) بازنگری سلیمانیان، (۱۳۷۳)، ابزارهای این پژوهش را تشکیل دادند.

مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (RAAS) مشتمل بر ۱۸ ماده است که از طریق علامت‌گذاری روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت، از صفر تا چهار، نمره- گذاری می‌شود. این آزمون دارای ۳ زیرمقیاس (دلبستگی، نزدیک‌بودن و اضطراب) است که با ۶ ماده برای هر زیر

1. Morgan, D. W.

2. Krejcie, R. V.

3. Relationship Adult Attachment Scale

4. Attachment to Mother Questionnaire

5. Enrich Marital Satisfaction Questionnaire

6. reliability

7. effect coding

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخصهای آماری از قبیل، فراوانی درصدی، میانگین و انحراف استاندارد هستند که در جدولهای ۱ و ۲ منعکس شده‌اند.

جدول ۱: فراوانی درصدی، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های رضایتمندی زناشویی به تفکیک سبکهای دلبستگی (RAAS)

گروه	فراوانی درصدی	میانگین	انحراف استاندارد
ایمن	۵۲/۸	۱۸۳/۱۵	۱۹/۳۲
اجتنابی	۲۱/۴	۱۴۳/۷۶	۱۸/۷۷
دوسوگرا	۲۵/۸	۱۳۹/۹۸	۲۳/۳۹

به منظور بررسی ارتباط بین سبکهای دلبستگی و رضایتمندی زناشویی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. (جدول ۳).

داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که رضایتمندی زناشویی با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت معنادار (۰/۵۳۱) و با سبکهای دلبستگی دو سوگرا و اجتنابی رابطه

منفی معنادار (۰/۳۷۶- و ۰/۲۸۲-) دارد.

جدول ۲: فراوانی درصدی، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های رضایتمندی زناشویی در گروههای مختلف مربوط به داده‌های آزمون دلبستگی به مادر (AMQ)

گروه	فراوانی درصدی	میانگین	انحراف استاندارد
ایمن	۶۲/۲۶	۱۷۵/۶۲	۲۴/۱۶
اجتنابی	۱۸/۲۳	۱۴۷/۲۱	۲۴/۱۲
دوسوگرا	۱۹/۴۹	۱۳۹/۲۹	۲۷/۰۰

جدول ۳: ضرایب همبستگی بین سبکهای دلبستگی و میزان رضایتمندی زناشویی (n = ۱۵۹)

	ایمن	دوسوگرا	اجتنابی
رضایتمندی زناشویی	۰/۵۳۱	-۰/۳۷۶	-۰/۲۸۲
سطح معنادار بودن	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعداد	۱۵۹	۱۵۹	۱۵۹

برای پیش‌بینی میزان رضایتمندی زناشویی بر مبنای ملاکهای دلبستگی نتایج تحلیل واریانس (به روش کد-گذاری تأثیر) در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

جدول ۴: مشخصه‌های آزمون رگرسیون برای پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی براساس سبکهای دلبستگی

مدل	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری	R	R ^۲	انحراف خطا
رگرسیون	۶۹/۲۱۱	۲	۳۴۶۰۵/۶					
باقیمانده	۶۳۷۹۶	۱۵۶	۴۰۸/۹۵	۸۴/۶۲	۰/۰۰۱	۰/۷۲۱	۰/۵۲	۲۰/۲۲
کل	۱۳۳۰۰۷	۱۵۸						

جدول ۵: ضرایب تأثیر سبکهای دلبستگی در معادله رگرسیون

سبکهای دلبستگی	B	انحراف خطا	ضریب β	t	سطح معناداری
ایمن	۱۵۵/۷۲	۱/۷۲۸		۹۰/۱۲	۰/۰۰۱
اجتنابی	۲۷/۷۲	۲/۱۴۷	۰/۷۶۹	۱۲/۹۱	۰/۰۰۱
دوسوگرا	-۱۵/۵	۲/۵۱۲	-۰/۳۶۷	-۶/۱۷	۰/۰۰۱

رضایتمندی زناشویی به وسیله متغیرهای دلبستگی تبیین می‌شود (R^۲ = ۰/۵۲). ضرایب رگرسیون متغیر پیش‌بین

براساس این نتایج، میزان F مشاهده شده (۸۴/۶۲) معنادار است (P < ۰/۰۰۱) و ۵۲٪ واریانس مربوط به

(۰/۷۲) و با سبکهای اجتنابی و دو سوگرا نسبت به مادر ارتباط منفی معنادار (۰/۳۶۵- و ۰/۴۸-) دارد. نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون به منظور پاسخگویی به ارتباط بین سبکهای دلبستگی به مادر و رضایتمندی زناشویی در جدول ۷ ارائه شده‌اند. براساس این نتایج، میزان F مشاهده شده (۳۱/۰۹۸) معنادار است (P < ۰/۰۰۱) و ۲۹٪ واریانس مربوط به رضایتمندی زناشویی به وسیله متغیرهای سبکهای دلبستگی به مادر تبیین می‌شود (R^۲ = ۰/۲۸۵).

ضرایب رگرسیون متغیر پیش‌بین نشان می‌دهد که سبکهای دلبستگی به مادر می‌توانند واریانس رضایتمندی زناشویی را به صورت معنادار تبیین کنند (جدول ۸). ضرایب تأثیر سبکهای دلبستگی به مادر بر رضایتمندی زناشویی (۲۱/۳۴ = اجتنابی و ۱۳/۰۹- = دو سوگرا) با توجه به آماره t نشان می‌دهد که این متغیر با اطمینان ۹۹٪ می‌تواند تغییرات مربوط به متغیر رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی کند.

نشان می‌دهد که سبکهای دلبستگی می‌توانند واریانس رضایتمندی زناشویی را به صورت معنادار تبیین کنند. در جدول ۵ ضرایب تأثیر سبکهای دلبستگی (۲۷/۷۲ = اجتنابی، ۱۵/۵- = دو سوگرا) با توجه به آماره t نشان می‌دهد که این متغیر با اطمینان ۹۹٪ می‌تواند تغییرات مربوط به متغیر رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی کند. بررسی ارتباط بین سبکهای دلبستگی به مادر و میزان رضایتمندی زناشویی با استفاده از محاسبه ضریب همبستگی در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: ضرایب همبستگی بین سبکهای دلبستگی به مادر و میزان رضایتمندی زناشویی (n = ۱۵۹)

رضایتمندی زناشویی	ایمن	اجتنابی	دو سوگرا
	۰/۷۲**	-۰/۳۶۵**	-۰/۴۸**

** P < ۰/۰۰۱

داده‌های به دست آمده نشان می‌دهند که رضایتمندی زناشویی با دلبستگی ایمن به مادر ارتباط مثبت معنادار

جدول ۷: مشخصه‌های آزمون رگرسیون برای پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی براساس سبکهای دلبستگی به مادر

مدل	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری	R	R ^۲	انحراف خطا
رگرسیون باقیمانده	۳۸۷۳۸	۲	۱۹۳۶۹/۲۳	۳۱/۰۹۸	۰/۰۰۱	۰/۵۳۴	۰/۲۸۵	۲۴/۹۵
کل	۱۳۵۹۰۱	۱۵۸	۶۲۲/۸۴					

جدول ۸: ضرایب تأثیر سبکهای دلبستگی در معادله رگرسیون

سبکهای دلبستگی	B	انحراف خطا	ضریب β	t	سطح معناداری
ایمن	۱۵۴/۳۲	۲/۳۰۶		۶۶/۹۲	۰/۰۰۱
اجتنابی	۲۱/۳۴	۲/۷۲۳	۰/۵۷	۷/۸۲۷	۰/۰۰۱
دو سوگرا	-۱۳/۰۹۶	۳/۴۶۶	-۰/۲۷۵	-۳/۷۷۸	۰/۰۰۱

جدول ۹: نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه رضایتمندی زناشویی بین دبیران زن و مرد

جنس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون F لوین		آزمون t برای تفاوت میانگینها			
				F	سطح معناداری	t	درجه آزادی	تفاوت میانگینها	سطح معناداری
زن	۸۱	۱۶۶/۰۴	۳۲/۸۴	۸/۵۹۴	۰/۰۰۴	-۱/۰۶۶	۱۴۶/۲۱۶	-۴/۹۰	۰/۲۸۸
مرد	۷۸	۱۶۱/۱۴	۲۴/۵۳						

را کاهش می‌دهد. ارضای مجاورت نیز از نیازهای فرد ایمن به حساب می‌آید و موجب می‌شود تا به کمک بازخوردهای مثبت و دو سویه حاصل از نزدیکی در روابط با دیگران، مهارت‌های ارتباطی فرد ایمن و روابط بین شخصی و متقابل وی با دیگران بهبود یابد و بهبود روابط زناشویی را در پی داشته باشد.

• دیگر خصیصه فرد ایمن، تمایل به بخشش و مهار هیجانهای منفی است. هر اندازه تمایل به بخشش و سخت‌گیری نکردن نسبت به خطاها در ارتباطهای زوجین بیشتر باشد، احتمال رضایتمندی زناشویی نیز افزایش می‌یابد. مهار هیجانهای منفی نیز در ارتباط زوجین با افزایش رضایتمندی همراه است.

• همچنین اطلاعات موجود در ادبیات پژوهش بیانگر این مطلب است که سبک دلبستگی، کیفیت روابط جنسی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین صورت که افراد ایمن، برخلاف افراد نایمن، به تجربه مسائل جنسی در شرایط همراه با تعهد، تمایل بیشتری دارند و از تمام جنبه‌های رابطه جنسی‌شان لذت می‌برند. از آنجا که رابطه جنسی از مؤلفه‌های مهم و مؤثر بر رضایتمندی زناشویی است، پس انتظار می‌رود افراد ایمن از رضایتمندی زناشویی بالاتری نسبت به افراد نایمن برخوردار باشند. در پرتو این مهارتهاست که مشکلات زناشویی در افراد ایمن کمتر مجال ظهور می‌یابد و باعث افزایش رضایتمندی زناشویی در آنان می‌شود.

نتایج این پژوهش همچنان نشان دادند که بین زنان و مردان از نظر رضایتمندی زناشویی در سبک دلبستگی دو سوگرا تفاوت وجود دارد. در گروه دو سوگرا، رضایتمندی زناشویی مردان بیش از زنان است در حالی که تفاوت رضایتمندی بین زنان و مردان واجد سبکهای دلبستگی ایمن و اجتنابی معنادار نیست. در کل، زنان و مردان از نظر رضایتمندی زناشویی تفاوت معنادار ندارند. این نتایج با یافته‌های الیویرا و کاستا (۲۰۰۰) و ثنایی ذاکر و باقریان‌نژاد (۱۳۸۲) همخوان نیست، ولی با نتایج

نتایج حاصل از تحلیل t گروههای مستقل مربوط به مقایسه میانگین رضایتمندی زناشویی بین زنان و مردان نیز نشان داد که تفاوت در سطح $P \leq 0/05$ از نظر آماری معنادار نیست (جدول ۹).

بحث و تفسیر

با توجه به یافته‌های آماری مشخص شد که سبکهای دلبستگی با رضایتمندی زناشویی مرتبطاند و رضایتمندی زناشویی با سبک ایمن ارتباط مثبت و با سبکهای اجتنابی و دو سوگرا ارتباط منفی دارد.

این نتیجه با نتایج تحقیقات بشارت (۱۳۸۰)، اصغری‌نژاد و دانش (۱۳۸۴)، (اینزورث، ۱۹۹۱، هازن و شیور، ۱۹۷۸؛ فینی و نولر، ۱۹۹۰، میوری، ۲، هلمز، گرینفیلد، ۴، ۱۹۹۶ نقل از کاپلان، ۲۰۰۰/۱۳۸۳)، داویلا، برادبوری و فینچام (۱۹۹۸)، فینی (۱۹۹۹)، کوب، داویلا و برادبوری (۲۰۰۱)، کاجادورین، فینچام و داویلا (۲۰۰۴) و بانس (۲۰۰۴)، همخوانی دارد. چند تبیین احتمالی برای این یافته‌ها مطرح می‌شود:

• اعتماد به خود و دیگران، به عنوان یکی از مبانی درون روانی فردی که دارای سبک دلبستگی ایمن است، وی را در جلب کمک و مساعدت دیگران یاری می‌رساند و زمینه برون روانی و اجتماعی یک ارتباط سالم را فراهم می‌کند. در زندگی زناشویی نیز، این افراد با ایجاد ارتباط سالم و بهنجار با همسر خود شرایط رضایتمندی را فراهم می‌سازند.

• درک مثبت و حمایت اجتماعی، دو مشخصه دیگر افراد ایمن است که می‌توانند یافته‌های پیش گفته را تبیین کنند. درک مثبت همسران، تعاملهای حمایتی زوجین را تقویت می‌کند که این خود منجر به رضایتمندی روابط زناشویی می‌شود.

• رفتار اکتشافی و انعطاف‌پذیری، جسارت لازم را برای آزمونگری و تجربه آموزی در اختیار فرد ایمن قرار می‌دهد. مهارت‌های حل مسئله در افراد ایمن محصول کنش بهنجار اکتشاف‌گری است که مشکلات زناشویی

تحقیق اشمیت (۲۰۰۳) همسو است.

در فرهنگ تایباد به علت ازدواج در سنین پایین، فرهنگ مردسالاری، تعدد زوجین و ازدواجهای بین مذهبی، انتظار می‌رود رضایتمندی زناشویی در زنان کمتر از مردان باشد، ولی نتایج این تحقیق برخلاف انتظار بود. احتمال می‌رود نتیجه غیرمنتظره، به علت عدم تمایل ذاتی زنان از فاش کردن واقعیت‌های زندگی زناشویی‌شان باشد. در حالی که مردان در بیان واقعیت‌های زندگی زناشویی خود محدودیت کمتری احساس می‌کنند. بنابراین ممکن است عدم پاسخگویی صادقانه به پرسشهای آزمونها، دلیل نتیجه غیرمنتظره باشد. از سوی دیگر، می‌توان پیش‌بینی کرد که زنان در فرهنگ سنتی تایباد، شرایط موجود را پذیرفته‌اند و مسائلی مانند تعدد زوجین، ازدواج در سنین پایین و ... ، کمتر باعث ایجاد بحران و بروز نارضایتی در آنان می‌شود.

یافته دیگر پژوهش، بیانگر این نکته بود که ۵۳٪ جمعیت، دلبستگی ایمن داشتند، ۲۱٪ سبک دلبستگی اجتنابی و ۲۶٪ سبک دوسوگرا. در گروه ایمن درصد زنان بیش از مردان، در گروه اجتنابی درصد مردان بیش از زنان و در گروه دوسوگرا تعداد زنان و مردان تقریباً مساوی بود. این نتیجه، بسیار جالب است، زیرا این درصدها بسیار نزدیک به مشاهده‌های اولیه اینزورث در رابطه با نوزادان و همچنین مشاهده‌های بارتولومئو^۱ (۱۹۹۰ نقل از مظاهری، ۱۳۷۷) در بزرگسالان است، با این تفاوت که در نمونه تحقیق درصد افراد اجتنابی نسبت به دوسوگراها در مقایسه با فرهنگهای غربی کمتر است. شاید بتوان این تفاوت را ناشی از خصوصیات فرهنگهای غربی (فردگرا) و شرقی (جمع‌گرا) دانست.

همچنین فراوانی کمتر افراد ناایمن - به خصوص اجتنابی در نمونه این پژوهش - را می‌توان با توجه به اهمیت کودکان در زندگی خانواده ایرانی و نیز با توجه به عواطف غنی‌ای که کودکان ایرانی از اعضای خانواده و نیز خویشاوندان نزدیک خویش می‌گیرند، تعبیر و تفسیر کرد. یافته پایانی تحقیق این است که بین نتایج

حاصل از اجرای آزمون AMQ که از طریق ارزیابی رابطه مادر - فرزند، سبک دلبستگی افراد بزرگسال را تعیین می‌کند، با نتایج حاصل از آزمون دلبستگی RAAS که از طریق روابط فرد با دیگران این سبک را مشخص می‌کند، تفاوتی وجود نداشت. البته جامعه آماری و نوع پژوهش، محدودیتهایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها، مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شود. در نهایت، به علت نقش اساسی و پویای کیفیت پیوندهای عاطفی نخستین بین مادر - کودک و تأثیر عمیق سبک دلبستگی در دو گستره درون شخصی و بین شخصی پیشنهاد می‌شود:

۱. برای تأیید ثبات الگوهای دلبستگی از نوزادی تا بزرگسالی به جای ارزیابی روابط فرد با دیگران در تعیین سبک دلبستگی افراد، روابط نزدیک و عاطفی مادر - کودک که مبتنی بر نظریه بالبی است، مورد توجه قرار گیرد.
۲. طرحهای آموزشی به منظور ارتقای سطح آگاهی مادران در خصوص روشهای درست تعامل با فرزندان در سطح کشور اجرا شود.
۳. راهبردهای پیشگیری و درمانگری در چهارچوب نظریه دلبستگی تدوین و به کار گرفته شوند.
۴. نظریه دلبستگی بازنگری شود و از راهبردهای نظری و عملی برخاسته از یافته‌های جدید تجربی در جهت رفع انتقادهای وارد بر این نظریه سود جسته شود.
۵. مفروضات پویایی - رفتارشناختی نظریه دلبستگی با مفروضات سیستمی - شناختی، به منظور افزایش جامعیت و سودمندی نظریه، یکپارچه شوند.
۶. در جلسه‌های مشاوره پیش از ازدواج سبک دلبستگی زوجها، به منظور انتخاب صحیح همسر و جلوگیری از وقوع طلاق، ارزیابی شود.

منابع

- اصغری‌نژاد، م.، و دانش، ع. (۱۳۸۴). رابطه سبکهای دلبستگی با میزان شادکامی و توافق در مسائل زناشویی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه. *مجله تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره*، ۱۴ (۴)، ۶۹-۹۰.

- satisfaction : evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 273-282.
- Cobb, R. J., Davila, J., & Bradbury, T. N. (2001).** Attachment security and marital satisfaction : the role of positive perceptions and social support. *Personality and social Psychology*, 27, 1131-1143.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990).** Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of personality and social psychology*, 58, 644- 663.
- Davila, J., Bradbury, T. N., & Fincham, F. (1998).** Negative affectivity as a mediator of the association between adult attachment and marital satisfaction. *Personal Relationships*, 5, 467-479
- Feeney, J. A. (1999).** Adult attachment, emotional control, and marital satisfaction. *Personal Relationships*, 6, 169-183.
- Kachadourian, L. K., Fincham, F., & Davila, J. (2004).** Tendency to forgive in dating and married couples : the role of attachment and relationship satisfaction. *Personal Relationships*, 11, 373-388.
- Kafetsios, K., & Sideridis, G. D. (2006).** Attachment, Social support and well-being in young and older adults. *Journal of Health Psychology*, 11, 863- 875 .
- Mkulincer, B. M., & Florian, V. (2003).** Marital satisfaction among mothers of infants with congenital heart disease : The contribution of illness severity, attachment style, and the coping process. *Journal of Anxiety & stress*, 16, 397-415
- Moller, K., Hwang, C. P., & Wickberg, B. (2006).** Romantic attachment, parenthood and marital satisfaction. *Journal of Reproductive and Infant Psychology* , 24, 233- 240 .
- بشارت، م. (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبکهای دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین ناباور. فصلنامه تازه‌های روان درمانی، ۱۹ و ۲۰، ۵۵-۶۶.
- بشارت، م.، شریفی، م.، و ایروانی، م. (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبکهای دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی. مجله روانشناسی، ۱۹ (۳)، ۲۷۷-۲۸۹.
- بشارت، م.، گلی‌نژاد، م. و احمدی، ع. (۱۳۸۱). بررسی رابطه سبکهای دلبستگی و مشکلات بین شخصی دانشجویان دانشگاه تهران. بازیابی شده در ۱۲ می ۲۰۰۶ از سایت : URL:http://www.IranA.org.12/5/2006
- ثنایی ذاکر، ب.، و باقریان‌نژاد، ز. (۱۳۸۲). بررسی ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق. فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی، ۱۵، ۶۱-۷۸.
- خوی‌نژاد، غ. (۱۳۸۰). روشهای پژوهشی در علوم تربیتی. تهران: انتشارات سمت.
- رسولی، م. (۱۳۸۱). بررسی رابطه استرس شغلی با رضایت زناشویی و سلامت روان افسران پلیس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- سلیمانیان، ع. (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی (براساس رویکرد شناختی) بر نارضایتی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد شهرستان بجنورد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- صدافتی، ش. (۱۳۸۵). بررسی رابطه رضایتمندی زناشویی در سبکهای مختلف دلبستگی بین دبیران متأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام.
- کاپلان، پ. (۱۳۸۳). روان‌شناسی رشد، سفر پر ماجرای کودک. ترجمه م. فیروزبخت. تهران: انتشارات رسا. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۰).
- کرین، و. ک. (۱۳۸۴). نظریه‌های رشد، مفاهیم و کاربردها. ترجمه: غ. خوی‌نژاد و ع. رجایی. تهران: انتشارات رشد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۰).
- لسترام، ا. (۱۳۸۴). روان‌شناسی، ترجمه ج. صادقی. تهران: انتشارات سمت. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۲).
- مظاهری، م. (۱۳۷۷). الگوهای دلبستگی نوزادان ایرانی. مجله روان‌شناسی، ۸ (۴)، ۲۹۱-۳۱۵.
- Banse, R. (2004).** Adult attachment and marital

- utledge.
- Santrock, J.W.(2002).** *Psychology*. New York: McGraw-Hill.
- Scenta, A., & Gable, S. (2005).** Performance comparisons and attachment: an investigation of competitive responses in close relationships. *Personal Relationships, 12*, 357-370.
- Scharfe, E., & Bartholomew, K. (1994).** Reliability and stability of adult attachment patterns. *Personal Relationships, 1*, 83-96.
- Schmitt, D. P. (2003).** Are men universally more difference than women? Gender difference in romantic attachment across 62 cultural regions. *Personal Relationships, 10*, 307-320.
- Simpson, J. A., Collins, W. A., Tran, S., & Haydon, C. (2007).** Attachment and the experience and expression of emotions in romantic relationship : A developmental Perspective. *Journal of Personality and Social Psychology 92*, 355- 367 .
- Steinberg, L. (2002).** *Adolescence*. New York: McGraw-Hill.
- Najm, Q. J. (2005).** *Attachment styles and emotional intelligence in marital satisfaction a among Pakistani men and women*. Retrieved Mar 8, 2007, from: <http://www.Tennesseeestate university>
- Oliveira, J., & Costa, M. E. (2000).** Perceptions of marital and parental satisfaction and its relation with parental attachment in Portuguese late adolescents. Retrieved Mar 8, 2007, from: <http://www.Aifref.uqam.67>.
- Olson, D. H., Druckman, J., & Fournier, D. G. (1978).** *Inventory of premarital conflict*. Unpublished manuscript, university of Minnesota, st. paul, MN.
- Olson, D. H. , Fournier, D. G. , & Druckman , J. M. (1987).** *Counselor's manual for PREPARE/ENRICH* (rev. ev.) Minneapolis, MN : PREPARE/ENRICH
- Papalia, D. E. (2002).** *A child's world: infancy through adolescence*. New York: McGraw-Hill.
- Pines, M. A. (2005).** *Falling in love (why we choose the loves we choose)*. New York and hove: Ro-